

## أسئلة في الرجعة أجابها القائم: پرسش‌هایی در مورد رجعت که قائم پاسخ گفته است

ما هي الرجعة؟ وهل هي عالم برأسه وامتحان آخر يمر به الانسان؟ وما هو الدليل على إثبات أنها عالم آخر؟  
رجعت چیست؟ آیا عالمی خاص و امتحانی دیگر است که انسان پشت سر می‌گذارد؟ و دلیل اثبات اینکه رجعت، عالم دیگری است چیست؟

وما هي (الكُبر) التي أشار لها الحق سبحانه في كتابه (إنَّهَا لِأَخْدَى الكُبر)؟  
و منظور از «الكُبر» که حق سبحان در کتاب خویش به آن اشاره داشته است (که این از حادثه‌های بزرگ است)؛ [48] چیست؟

ثم إنَّ الله وعد رسله بالنصر في كتابه، فأين يكون نصرهم وهم بين مقتول ومسموم؟  
به‌علاوه خداوند در کتابش، فرستادگانش را به نصرت و یاری و پیروزی وعده می‌دهد؛ این یاری‌دادن و پیروزی آن‌ها کجاست، درحالی که آن‌ها یا مقتول شده‌اند یا مسموم؟

وما معنى (الأولى) التي أشار لها الله سبحانه في كتابه في قبال الآخرة (وَهُوَ اللهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَى وَالْآخِرَةِ وَلَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ)؟  
و منظور از «الأولى» که خداوند سبحان در کتاب خویش، پیش از آخرت به آن اشاره فرموده است، چیست؟ (اوست خدایی که معبودی جز او نیست. ستایش خاص اوست، چه در این جهان و چه در جهان دیگر و فرمان تنها از آن اوست و همه شما به سوی او بازگردانده می‌شوید)؛ [49].

وهل لعالم الرجعة ارتباط بالظلمات الثلاث التي ذكرها سبحانه في كتابه ؟ وبكلمة أخرى: ما هو وجه الارتباط بين عالم الذر وهذا العالم وعالم الرجعة ؟  
و آیا عالم رجعت با ظلمات و تاریکی های سه گانه که خداوند سبحان در کتاب خود آن ها را بیان فرموده است ارتباط دارد؟ و یا به عبارت دیگر: وجه ارتباط بین عالم ذر، این عالم و عالم رجعت چیست؟

ثم إنه من الواضح أنّ المعرفة غاية الخلقة، فهل لعالم الرجعة دور في تحقيق ذلك ؟

به علاوه از واضحات و بديهيات است که هدف نهایی و غایت خلقت، معرفت است؛ آیا عالم رجعت در تحقق این امر نقشی دارد؟

وأيضاً: أين ستكون الرجعة، فقد ورد ذكر الأرض في روايات الرجعة، فهل المقصود بها هذه الأرض التي نعيش عليها الآن، أم أنّ المقصود شيء آخر ؟ كذا ورد ذكر الدنيا.

همچنین رجعت در کجا خواهد بود؟ در روایات رجعت، زمین (محل وقوع) بیان شده است؛ آیا منظور از آن، همین زمینی است که اکنون بر آن زندگی می کنیم؟ یا منظور چیز دیگری است؟ ذکر دنیا نیز این چنین بیان شده است.

وهل يرجع جميع البشر، أم بعضهم، ومن هم ؟ وهل يرجعون أقواماً أو أفراداً، أم يرجع كلا الصنفين ؟ وهل يرجع الإنس فقط، أم الجن أيضاً ؟  
آیا تمام انسان ها بازمی گردند یا برخی از آنها؟ و آنان چه کسانی هستند؟ و آیا به صورت گروهی بازمی گردند یا انفرادی؟ یا هر دو دسته رجعت خواهند کرد؟ و آیا فقط انسان رجعت می کند یا جنیان نیز رجعت خواهند داشت؟

ثم إننا نقرأ بعض احتجاجات الأئمة في إثبات الرجعة بإحياء موتى في الأمم السالفة (كما حصل من الامام الرضا (ع) للمأمون الآتي ذكره)، فكيف ينسجم هذا مع كون الرجعة عالماً آخر غير هذا العالم الجسماني؟

به علاوه ما برخی از احتجاجات ائمه (ع) در اثبات رجعت با احیای مردگان در امت‌های پیشین را می‌خوانیم (همان‌گونه که میان امام رضا (ع) و مأمون به وقوع پیوست که در ادامه خواهد آمد)؛ حال چگونه این موارد با یکدیگر همخوانی دارند، درحالی که عالم رجعت، عالمی دیگر غیر از این عالم جسمانی است؟

كذلك نجد آل محمد يفسرون بعض آيات الكتاب في قيام القائم وفي الرجعة معاً، فما معنى ذلك؟

همچنین می‌بینیم که آل محمد (ع) برخی آیات کتاب خدا را توأمأً در باب قیام قائم (ع) و رجعت تفسیر می‌کنند؛ معنای آن چیست؟

هل في الرجعة يوم معلوم يُقتل فيه إبليس (لعنه الله) كما في هذا العالم يوم معلوم يقتل فيه على يد القائم (ع) في مسجد الكوفة؟

آیا در رجعت، روز معینی وجود دارد که ابلیس (خداوند لعنتش کند) در آن روز کشته می‌شود؟ همان‌گونه که در این دنیا روزی معین وجود دارد که ابلیس در آن روز به دست قائم (ع) در مسجد کوفه به قتل می‌رسد؟

كيف يمكن للمؤمن الاعتقاد بالرجعة وبالمهديين الاوصياء معاً، مع أنّ كليهما يكون بعد الامام المهدي (ع)؟

یک مؤمن چگونه می‌تواند به رجعت و به وجود مهدیین اوصیاء، هم‌زمان اعتقاد پیدا کند؟ درحالی که هر دو بعد از امام مهدی (ع) خواهند بود؟

وأيضاً: ورد عن آل محمد أنّ علياً (ع) دابة الأرض في الرجعة، ولكن ورد ذكر الدابة أيضاً في زمن القائم، فما معنى ذلك؟

همچنین از آل محمد (ع) روایت شده است که امیرالمؤمنین (ع) جنبنده زمین (دابة الارض) در عالم رجعت است، اما به وجود جنبنده‌ای دیگر در زمان قائم (ع) نیز اشاره شده است؛ منظور و معنای آن چیست؟

بل ورد في الروايات اجتماع رسول الله وأمير المؤمنين (ع) في دولة العدل الالهي في الكوفة، وورد أيضاً ذكر سلمان ومالك الاشر و أصحاب الكهف وغيرهم ضمن أصحاب القائم (ع)، فهل هناك رجعة أخرى تتحدث عنها الروايات تكون على هذه الأرض غير الرجعة التي هي عالم آخر؟

حتی در روایات از گرد آمدن رسول خدا (ص) و امیرالمؤمنین (ع) در دولت عدل الهی در کوفه سخن به میان آمده و همچنین حضور سلمان، مالک اشتر، اصحاب کهف و دیگران در مجموعه اصحاب قائم (ع) روایت شده است؛ پس آیا روایات، در مورد رجعتی بر این زمین غیر از آن رجعت که در عالم دیگر تحقق می‌یابد سخن می‌گویند؟

ومن الأسئلة أيضاً: هل في الرجعة زمن كما هو الحال في عالمنا هذا؟  
و همچنین از دیگر سؤالات: آیا در رجعت زمانی همانند زمان این عالم ما وجود دارد؟

كيف ستكون رجعة الانبياء والأئمة، هل بنفس الترتيب الموجود في هذا العالم؟  
رجعت انبیا و ائمه چگونه خواهد بود؟ آیا به همین ترتیب موجود در این عالم خواهد بود؟

وإذا كتب الله بفضله لمؤمن العود في عالم الرجعة، فهل سيرجع لينصر نفس الخليفة الالهي الذي نصره في هذا العالم؟

و اگر خداوند با فضل خویش رجعت و بازگشت مؤمنی را مقرر فرماید، آیا او برای نصرت و یاری همان خلیفه الهی رجعت خواهد کرد که در این عالم، او را یاری و نصرت داده بود؟

هل للعلاقات النسبية والسببية الموجودة الآن كالأبوة والبنوة والزوجية وما شابه دور وتأثير في الرجعة، فمن كان ابناً لفلان مثلاً يكون كذلك في الرجعة؟  
آیا وابستگی‌های نسبی و سببی موجود در زمان حال -همچون رابطه والدین و فرزندان و اهل و عیال و نظایر آن- نقش و تأثیری در رجعت دارند؟ و مثلاً کسی که فرزند فلانی بود در رجعت نیز فرزند او خواهد بود؟

وعلى سبيل المثال: ورد أنّ أول من يرجع هو الامام الحسين (ع)، فهل يرجع وهو ابن لأمير المؤمنين (ع) وجده رسول الله وهكذا؟  
برفرض مثال: روایت شده است اولین کسی که رجعت می‌کند امام حسین (ع) خواهد بود؛ پس آیا او بار دیگر به‌عنوان فرزند امیرالمؤمنین (ع) و کسی که جدش رسول خدا (ص) است خواهد بود؟ و مواردی از این دست.

هذه الأسئلة وغيرها، أجابها السيد أحمد الحسن في هذا المختصر المبارك، مما عجز عن إجابته وبيانه كبار العلماء، لذا أترك القارئ الكريم في رحاب البيئات التي أوضحها وهو يجيب الأسئلة المتعلقة بالرجعة وبعض تفاصيلها.  
این پرسش‌ها و دیگر پرسش‌ها را سید احمدالحسن (ع) در این مجال مختصر مبارک پاسخگو بودند؛ پرسش‌هایی که بزرگانِ علما از پاسخ به آن‌ها عاجز و درمانده شده‌اند. بیناتی را که ایشان (ع) آشکار فرموده‌اند و در آن‌ها پاسخگویی به پرسش‌هایی در باب رجعت و برخی جزئیاتش وجود دارد، تقدیم پیشگاه خواننده گرامی می‌کنم.

[48]- مدثر: 35.

[49]- قصص: 70.